

A Comparison of the Features of the Shahid Chamran University Research Information Management System as a Research Knowledge Repository of the University with Criteria of an Optimum Knowledge Repository

Fatemeh Bonari

MS in Information and Knowledge of Science;
Shahid Chamran University (Ahwaz);
Corresponding Author bonari69@gmail.com

Abdolhossein Farajpahlou

PhD in Information and knowledge of science; Professor;
Shahid Chamran University (Ahwaz) farajpahlou@gmail.com

**Iranian Journal of
Information
Processing and
Management**

**Iranian Research Institute
for Science and Technology**

ISSN 2251-8223

eISSN 2251-8231

Indexed by SCOPUS, ISC, & LISTA

Vol. 33 | No. 3 | pp. 487-514

Spring 2018



Received: 12, Sep. 2016 | Accepted: 31, Jan. 2017

Abstract: The aim of this study is to investigate the status of Shahid Chamran University's management knowledge repository as part of the university's repository of organizational knowledge, identify problems and provide solutions to improve the system it is.

As a practical research, the study followed the survey method which was administered as a case study. To collect data about the views of experts and faculty members of Shahid Chamran University interviews and questionnaires were used. All relevant experts were interviewed and a questionnaire was distributed among sample society selected by stratified-random sampling method Findings showed that faculty members have more or less positive attitude towards the existing system and the assignment of their works in it and the existence of such a system is useful. Despite the problems, almost all members use the system but, we must bear in mind that as user acquaintance with system grows, their partnership will increase. So, the need to inform the public about the system and holding periodic and regular quality workshops is felt. Attention to system problems and solutions provided by users will improve the status and help its promotion and advancement of research knowledge repository of research knowledge repository of university.

By further improving this system we can hope an important part of the infrastructure necessary for the implementation of knowledge management

at the Shahid Chamran University is provided.

Keywords: Knowledge, Knowledge Management, Research Knowledge Repository, Research Information Management System, Shahid Chamran University

بررسی نگرش اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز دربارهٔ مخزن دانش سازمانی این دانشگاه^۱

فاطمه بناری

کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی؛
دانشگاه شهید چمران اهواز؛
پدیده‌آور رابط bonari69@gmail.com

عبدالحسین فرج‌پهلوی

دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی؛
گرایش مدیریت کتابخانه‌های دانشگاهی؛ استاد؛
گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی؛
دانشگاه شهید چمران اهواز farajpahlou@gmail.com



مقاله برای اصلاح به مدت ۳۳ روز نزد پدیده‌آوران بوده است.

پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۱۲

دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۲۲

فصلنامه | علمی پژوهشی

پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران

شاپا (چاپی) ۸۲۳۳-۲۲۵۱

شاپا (الکترونیکی) ۸۲۳۱-۲۲۵۱

نمایه در SCOPUS و ISI، LISTA و

jjpm.irandoc.ac.ir

دوره ۳۳ | شماره ۳ | صص ۱۳۳۳-۱۳۵۸

بهار ۱۳۹۷



چکیده: هدف این پژوهش شناسایی وضعیت استفاده اعضای هیئت علمی از مخزن دانش پژوهشی «دانشگاه شهید چمران اهواز» به‌عنوان بخشی از مخزن دانش سازمانی این دانشگاه، شناسایی مشکلات این سامانه و ارائه راهکار برای ارتقای آن است. این پژوهش از نوع کاربردی بوده و با روش پیمایشی و به‌صورت مطالعه موردی انجام گرفت. برای گردآوری اطلاعات دربارهٔ دیدگاه کارشناسان و اعضای هیئت علمی «دانشگاه شهید چمران اهواز» به‌ترتیب از مصاحبه و پرسشنامه استفاده شد. مصاحبه از همهٔ کارشناسان دست‌اندر کار به عمل آمد و پرسشنامه بین جامعه نمونه که به روش نمونه‌گیری تصادفی - طبقه‌ای انتخاب شد، توزیع گردید. یافته‌ها بیانگر آن بود که اعضای هیئت علمی نگرش کم‌ویش مثبتی نسبت به سامانه موجود و واگذاری آثار خود به آن دارند و وجود چنین سامانه‌ای را مفید و ضروری می‌دانند. علی‌رغم اذعان به وجود مشکلات، تقریباً همهٔ اعضا از سامانه استفاده می‌کنند، ولی باید در نظر داشت که با افزایش آشنایی اعضا با سامانه، میزان مشارکت آنان نیز افزایش خواهد یافت. بنابراین، نیاز به اطلاع‌رسانی پیرامون سامانه و برگزاری کارگاه‌های آموزشی دوره‌ای و منظم و باکیفیت احساس می‌شود. توجه به مشکلات سامانه و راهکارهای ارائه‌شده توسط کاربران برای بهبود وضعیت آن به ارتقا و

۱. برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد

پیشرفت مخزن دانش پژوهشی این دانشگاه کمک می‌کند. با بهبود هرچه بیشتر این سامانه می‌توان امیدوار بود که بخش مهمی از زیرساخت لازم برای پیاده‌سازی مدیریت دانش در «دانشگاه شهید چمران اهواز» فراهم شود.

کلیدواژه‌ها: دانش، مدیریت دانش، مخزن دانش پژوهشی، سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز

۱. مقدمه

عصر حاضر، عصر اطلاعات و ارتباطات است. لازمه مدیریت سازمان‌های این عصر، مدیریت بر یکی از مهم‌ترین دارایی‌های سازمان یعنی دانش است. دانش، مخلوطی سیال از تجارب، ارزش‌ها، اطلاعات موجود و نگرش‌هایی است که چارچوبی برای ارزشیابی و به‌کارگیری تجارب و اطلاعات جدید به‌دست می‌دهد (زنجیرچی و ربانی ۱۳۸۵).

به‌دلیل افزایش اهمیت دانش در سازمان‌ها، مقوله مدیریت دانش به‌عنوان یک مبحث مهم وارد سازمان‌های امروزی گردیده است. مدیریت دانش فرایندی است که به سازمان‌ها کمک می‌کند تا اطلاعات و مهارت‌های مهمی را که بخشی از حافظه سازمانی محسوب شده و به‌طور معمول به‌صورت سازماندهی نشده وجود دارد، شناسایی، انتخاب، سازماندهی و منتشر نمایند (جهان‌دیده و روهنده ۱۳۹۳). هدف مدیریت دانش در سازمان‌ها شناسایی و پیگیری دانش جمعی سازمان برای رسیدن به اهداف و مقاصد سازمانی و کمک به آن‌ها برای رقابت در عرصه جهانی و باقی‌ماندن در آن است.

بخشی از اطلاعات و دانشی که دانشمندان تولید می‌کنند توسط ناشران تجاری منتشر می‌شود و بخشی دیگر، مانند آنچه در دانشگاه تولید می‌شود، اغلب بدون سازماندهی و غیرقابل دسترس در سازمان‌ها پراکنده است. این است که اگر قرار باشد اصول مدیریت دانش بر دانشگاه حاکم باشد، ضروری است بستری برای دسترسی به این دانش تولیدشده در دانشگاه فراهم شود تا حاصل تلاش علمی و پژوهشی اعضای هیئت علمی در سطح ملی و بین‌المللی در معرض دید قرار گیرد. مخازن دانش سازمانی بستری را جهت دسترسی به دانش تولیدشده ایجاد می‌کنند تا از این طریق، حاصل تلاش افراد بهتر دیده شده و مورد استفاده قرار گیرد.

همان‌طور که «آگیلو» و همکاران اظهار می‌دارند، در حال حاضر قریب به یک دهه است که کمتر دانشگاه معتبری در سطح جهان را می‌توان یافت که

دارای مخزن دانش سازمانی برای اشاعهٔ آثار و برون‌دادهای علمی خود نباشد. اهمیت این مخازن تا جایی است که رتبه‌بندی خاصی نیز برای دانشگاه‌ها بر پایهٔ مخازن سازمانی توسط «وبومتریکس»^۱ ایجاد شده است (Aguillo et al. 2010). در این راستا «دانشگاه شهید چمران اهواز» نیز اقدام به طراحی سامانه‌ای برای گردآوری و سازماندهی اطلاعات علمی تولیدشده توسط اعضای هیئت علمی خود کرده است. این دانشگاه به پیشنهاد معاونت پژوهش و فناوری در سال ۱۳۸۶ اقدام به راه‌اندازی سامانه‌ای نمود که با نام «سامانهٔ مدیریت اطلاعات پژوهشی» یا RMS^۲ به‌عنوان بستری جهت ضبط اطلاعات پژوهشی توسط «شرکت داده‌پردازان آیندهٔ زمین» طراحی شد. هرچند که این دانشگاه از سالیان دور چنین سامانه‌ای را به شکل ابتدایی و با استفاده از نرم‌افزار «اکسس» و به‌صورت تک‌کاربره در اختیار داشت، ولی از سال ۱۳۸۶ این سامانه ارتقا پیدا کرد و تحت وب درآمد. اعضای هیئت علمی جهت برخورداری از خدمات پژوهشی، امتیاز لازم را از طریق تولیدات علمی خود کسب می‌کنند. بر اساس سیاست‌گذاری انجام‌شده، در صورتی که آثار آن‌ها به سامانه وارد شود، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و امتیاز لازم به آن اختصاص می‌یابد. بنابراین، این مخزن بستری برای سازماندهی اطلاعات علمی و پژوهشی اعضای هیئت علمی به شمار می‌آید. از آنجا که کاربران نقش تعیین‌کننده‌ای در استفاده از سامانه‌های اطلاعاتی دارند، بازخورد آن‌ها می‌تواند اطلاعاتی غنی و مبتنی بر واقعیت برای رفع مشکلات و کاربرمدارشدن این سامانه‌ها ارائه دهد.

۲. پیشینهٔ پژوهش

در جهان، پژوهش‌های کاربرمدار زیادی در زمینهٔ مخازن دانش سازمانی به انجام رسیده است. آنچه در این بخش می‌آید، مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده در داخل و خارج از کشور است.

«فریرا» و همکاران فرایند اجرای مخزن سازمانی در «دانشگاه مینهو»^۳ در پرتغال را از آغاز تا اتمام کامل طرح بررسی کردند. آن‌ها نرم‌افزار DSpace را بر اساس

1. Webometrics: <http://repositories.webometrics.info>

2. Research Management System (RMS)

3. University of Minho

برخی معیارها نظیر معماری نرم‌افزاری مفید، استفاده از جدیدترین فناوری‌ها و رابط کاربر گرافیکی مناسب و آسان انتخاب کردند. آن‌ها همچنین، وجود فعالیت‌هایی چون طرح ترویجی مناسب (شامل گفت‌وگوهای درون‌بخشی و درون‌سازمانی فراوان، آگهی‌های متعدد، تماس مستقیم با مدیران گروه‌ها، سمینارهای آموزشی)، ایجاد خدمات ارزش افزوده برای مؤلفان (نظیر کنکاش در آمارهای بارگذاری، ایجاد صفحات وبی مخصوص پژوهشگران، گزارش‌ها) و تعریف خط‌مشی الزامی خودآرشیوی (استفاده از مشوق‌های مالی همراه با جوایزی برای افراد دارای بیشترین واگذاری آثار، که باعث استقبال افراد در واگذاری آثارشان می‌شود) را در برنامه راهبردی مخزن لازم دانستند (Ferreira et al. 2008).

«یاکل» و همکاران به بررسی عوامل موفقیت مخازن سازمانی پرداختند. آن‌ها با استفاده از مطالعه تطبیقی (مقایسه‌ای) و بر اساس مستندات، خط‌مشی‌ها و دیگر منابع مرتبط مخازن سازمانی پنج دانشگاه پژوهشی را مورد بررسی قرار دادند و عوامل موفقیت این مخازن را به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم کردند. به این منظور با افراد مشارکت‌کننده در مخزن سازمانی هر دانشگاه (مدیر مخزن سازمانی، کتابدار دانشگاه، مسئولان و مدیران کتابخانه‌ها و کارکنان فناوری اطلاعات) مصاحبه انجام شد. تحلیل‌ها بر پایه مصاحبه‌هایی که ضبط و پیاده شده بودند، به همراه تحلیل محتوای منابع نوشته‌شده درباره مخزن سازمانی انجام گرفت. آن‌ها عوامل درونی برای موفقیت را شامل گردآوری محتوا و خدمات ارائه‌شده به وسیله مخزن سازمانی دانستند. در گردآوری محتوا، ساخت صفحات خاص اعضای هیئت علمی، مذاکره با ناشران برای گردآوری آثار این افراد و متقاعد کردن پژوهشگران کلیدی برای شرکت در مخزن سازمانی از مهم‌ترین عوامل بودند. در زمینه خدمات نیز می‌توان به مواردی چون افزایش بازبایی تمام‌متن، نگهداری طولانی‌مدت، استفاده زیاد و بهبود رتبه مقاله اشاره کرد. از عوامل بیرونی نیز می‌توان به نقش کتابخانه در ارتباط علمی در فضای دانشگاه و قرار گرفتن کتابداران و کتابخانه در جریان ارتباط علمی نام برد (Yakel et al. 2009).

«آبریزه، نوریداواتی و کیرا» پژوهشی با هدف شناسایی عملکرد دانشگاه‌های برتر آسیایی در آرشیو و به‌اشتراک‌گذاری خروجی پژوهشی خود از طریق مخازن سازمانی، تجزیه و تحلیل وضعیت دسترسی آزاد و استفاده از مخازن سازمانی توسط

دانشگاه‌های آسیایی انجام دادند. نتایج بررسی حاکی از آن بود که به ترتیب، دانشگاه‌های «ژاپن»، «هند» و «تایوان» بیشترین مشارکت را در ایجاد مخازن سازمانی و دسترسی آزاد داشته‌اند. با توجه به این که تعداد محدودی از دانشگاه‌های آسیایی از جنبش دسترسی آزاد استفاده می‌کنند، در این پژوهش پیشنهاد می‌شود که مقامات دانشگاه‌ها با راه‌اندازی مخازن سازمانی، کیفیت خروجی فکری و پژوهش‌های خود را ارتقا دهند (Abrizah, Noorhidawati & Kira 2010).

«کیریاکی» و همکاران، پژوهشی در TEI¹ «آتن»، که یکی از بزرگ‌ترین مؤسسات آموزش عالی یونان است، انجام دادند. در این پژوهش ۱۴۰ پرسشنامه از طریق ایمیل بین اعضای هیئت علمی رسمی دانشکده‌های مختلف توزیع و ۹۰ پرسشنامه بازگشت داده شد. علاوه بر این، چند مصاحبهٔ ساختارمند با اعضای هیئت علمی انجام گرفت. هدف اصلی این تحقیق اکتشافی عبارت بود از: تعیین بهترین شیوه برای ترویج مخازن دانش سازمانی، افزایش مجموعه از محتوای علمی، بررسی و شناسایی نگرش اعضای هیئت علمی نسبت به خودآرشیوی و مخازن دانش سازمانی، تعیین سطح دانش اعضا نسبت به خودآرشیوی و سپردن آثار خود به مخازن دانش سازمانی. نتایج نشان داد که اعضای هیئت علمی نگرشی مثبت نسبت به این مخازن دارند و ۸۹ درصد از اعضا مایل به یادگیری روش‌های خودآرشیوی و سپردن آثار خود به این مخازن هستند (Kyriaki et al. 2013).

آگاهی و نگرش افراد نسبت به مخازن سازمانی، عاملی مؤثر در استفاده از این مخازن است. بدین منظور «بامیگبولا» در مطالعه‌ای موردی به بررسی سطح آگاهی و نگرش اعضای هیئت علمی رشتهٔ کشاورزی در «دانشگاه فدرال تکنولوژی نیجریه»^۲ پرداخت. داده‌های پژوهش از طریق پخش ۸۰ پرسشنامه بین اعضای هیئت علمی هشت گروه آموزشی در دانشکدهٔ کشاورزی این دانشگاه توزیع و ۵۱ پرسشنامه از آن بازگشت داده شد. نتایج نشان‌دهندهٔ دید مثبت اعضای هیئت علمی نسبت به این مخازن بود، ولی در عین حال، اعضا تمایل کمی نسبت به سپردن آثار خود به این مخازن نشان داده بودند. در نهایت، مشخص شد که استفاده از مخازن سازمانی

1. Technological and Educational Institute (TEI)

2. Federal University of Technology, Akure (FUTA)

را سطح نگرش و آگاهی افراد مشخص می‌کند (Bamigbola 2014).

«لی» و همکاران طی یک مطالعه موردی به بررسی این مورد که مخازن سازمانی تا چه اندازه در دسترسی و دسترس پذیری مقالات بر روی وب تأثیر دارند، پرداختند. به این منظور، ۱۷۰ مقاله مجله به صورت دسترسی آزاد در مخزن دانش سازمانی «دانشگاه ایالتی فلوریدا» قرار داده شد. برای تجزیه و تحلیل تأثیر مخازن دانش سازمانی در دسترس پذیر کردن مقالات به جست‌وجوی عنوان اثرها در «گوگل»^۱ و «گوگل اسکولار»^۲ پرداخته شد و نتایج مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که از مجموع ۱۷۰ مقاله، ۱۴۵ مقاله بازبایی شد و از آن میان ۹۶ مقاله به صورت تمام‌متن بودند. نتایج، تأثیر مثبت مخزن در دسترس پذیری اطلاعات را تأیید کرد و برخی موانع موفقیت دسترسی آزاد را برشمرد که عبارت بودند از: موانع ترتیب قرارداد بین نویسندگان و ناشر، موانع مربوط به سیاست، شیوه و فناوری حاکم بر مخزن دانش سازمانی و سطح پایین مشارکت دانشکده در این مخازن (Lee et al. 2015).

«زاهدی نوقابی» در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی مخزن سازمانی «دانشگاه فردوسی مشهد» و سنجش همخوانی آن با معیارهای تخصصی پرداخت. هدف از این پژوهش کاربردی که با روش پیمایشی و مطالعه موردی انجام پذیرفت، شناسایی ویژگی‌های یک مخزن سازمانی و بررسی میزان همخوانی وضعیت کنونی مخزن سازمانی موجود با آن ویژگی‌ها بود. در آخر، ویژگی‌های یک مخزن سازمانی مطلوب در پنج مقوله دسته‌بندی شد که عبارت‌اند از: (۱) محتوای رقومی، (۲) منشأ سازمانی، (۳) محتویات علمی، (۴) خاصیت انباشتگی تدریجی و دائمی‌بودن، و (۵) میانکنش پذیری و دسترسی آزاد (۱۳۸۹).

«صمیمی» در رساله کارشناسی ارشد خود به بررسی عوامل مؤثر در ایجاد مخزن دانش الکترونیک در «شرکت آب و فاضلاب شهر تهران» پرداخت. او مکانیزم‌هایی را که افراد را به مشارکت در این مخزن تشویق می‌کنند، به دو دسته تقسیم کرد که عبارت‌اند از: (۱) مکانیزم‌های تشویقی که موجب ترغیب کارمندان به مشارکت در این مخازن دانشی

1. Google

2. Google Scholar

می‌شوند؛ و ۲) مکانیزم فرصت‌ها که شرایط و موقعیت مشارکت در این مخازن را برای افراد فراهم می‌آورد. یافته‌های پژوهش بیان می‌دارد که علی‌رغم وجود مخزن دانشی در این سازمان و سرمایه‌گذاری بسیار جهت خرید و ایجاد زیرساخت‌های دانشی و فناوری، عدم مشارکت افراد در این مخزن برای انتقال دانش به چشم می‌خورد (۱۳۸۹).

«پریخ و زاهدی نوقابی» طی پژوهشی به بررسی نگرش اعضای هیئت علمی «دانشگاه فردوسی مشهد» نسبت به مخزن سازمانی این دانشگاه (ساعد)^۱ پرداختند. در این پژوهش کاربردی که با روش پیمایشی و مطالعهٔ موردی برای شناسایی وضعیت استفادهٔ اعضای هیئت علمی از مخزن سازمانی این دانشگاه انجام گرفت، پرسشنامه‌ای محقق ساخته میان تمام اعضای که از «ساعد» استفاده می‌کردند، پخش شد. یافته‌های پژوهش بیانگر دشوار بودن استفاده از «ساعد» برای بیشتر اعضای هیئت علمی بود و بیشتر آن‌ها در ثبت، تغییر و ویرایش اطلاعات با مشکل مواجه بودند. همچنین، کمبود آموزش و نبود آموزش صحیح از مهم‌ترین علل فقدان آشنایی با سامانه و وجود مشکل در ثبت آثار شناخته شد (۱۳۹۱).

آن‌ها همچنین در پژوهشی دیگر به بررسی چگونگی ارزیابی نرم‌افزارهای مخازن سازمانی پرداختند. هدف اصلی این پژوهش بررسی نرم‌افزار مخزن سازمانی «دانشگاه فردوسی مشهد (ساعد)» بود. پژوهش انجام شده کاربردی و از نوع ارزیابانه بود که با روش مطالعهٔ موردی انجام گرفت. برای بررسی سامانهٔ نرم‌افزاری مورد استفاده برای مخزن سازمانی این دانشگاه از سیاههٔ واریسی محقق ساخته استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که وضعیت «ساعد» از لحاظ ویژگی‌های فنی در حد متوسط است. با این وجود، ضعف در برخی از قسمت‌ها مانند مدیریت محتوا و دسترس‌پذیری، بر کارایی سامانه تأثیر دارند. از این رو، باید تمرکز بیشتری بر ویژگی‌های کاربرمدار سامانه صورت گیرد. همچنین، ویژگی‌های آرشیو و پشتیبانی از سامانه در وضعیت متوسط هستند که با توجه به استفادهٔ روزافزون از سیستم می‌توانند در آینده چالش‌برانگیز باشند (پریخ و زاهدی نوقابی ۱۳۹۴).

بررسی پیشینه‌ها در خارج از کشور نشان می‌دهد که مخازن دانش سازمانی در دهه‌های اخیر مورد توجه بسیار قرار گرفته‌اند و بسیاری از سازمان‌های علمی و دانشگاهی با برنامه‌هایی در سطح ملی، منطقه‌ای و گاهی جهانی اقدام به ساخت و توسعهٔ مخزن دانش سازمانی خود با رویکردهای جدید و مطابق با فناوری‌های روز نموده‌اند. در این

۱. سامانه اطلاعات علمی دانشگاه فردوسی مشهد

پژوهش‌ها محققان، بیشتر به دنبال شناسایی عوامل مؤثر در موفقیت این مخازن بوده‌اند و توجه به کاربران به عنوان عامل تضمین‌کننده گسترش و استفاده از این مخازن در پیشینه‌ها قابل شناسایی است.

بررسی پیشینه‌ها در داخل کشور نیز حاکی از آن است که با وجود اهمیت فراوان مخازن دانش سازمانی به منظور ایجاد، حفظ و اشاعه اطلاعات، تاکنون مطالعات جامعی که منجر به تدوین و ارائه عوامل مؤثر در عملکرد این مخازن باشد، صورت نگرفته است. تا زمان انجام پژوهش حاضر، پژوهشی در خصوص مخزن دانش سازمانی «دانشگاه شهید چمران اهواز» (سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی) انجام نشده است. اطلاعات این پژوهش می‌تواند بستری مناسب برای گسترش و تحول در مخزن دانش سازمانی این دانشگاه به وجود آورد.

۳. روش پژوهش

هدف اصلی این پژوهش شناسایی وضعیت استفاده از مخزن دانش سازمانی «دانشگاه شهید چمران اهواز» است. دیگر اهداف این پژوهش عبارت‌اند از: سنجش میزان استفاده اعضای هیئت علمی از «سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز» و نیز بررسی انتظارات آن‌ها از این سامانه، شناسایی مشکلات و مسائل رو در روی اعضای هیئت علمی در استفاده از این سامانه، چالش‌های استفاده از این سامانه و ارائه پیشنهادهایی برای ارتقا و کاربرمداری آن. انتظار می‌رود این توصیه‌ها در راستای ارتقای سامانه‌های مدیریت اطلاعات و افزایش کاربرمداری مورد استفاده طراحان قرار گیرد.

جهت دستیابی به اهداف پژوهش، پرسش‌های زیر طرح شد:

۱. نظر اعضای هیئت علمی «دانشگاه شهید چمران اهواز» درباره استفاده از «سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی» این دانشگاه چگونه است؟
۲. آیا بین نظرات گروه‌ها در رابطه با «سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز» رابطه معناداری وجود دارد؟
۳. مشکلات و نقایص احتمالی «سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز» از نظر کارشناسان این سامانه و اساتید دانشگاه چیست؟
۴. چه راهکارهایی برای ارتقا و بهبود عملکرد «سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز» وجود دارد؟

این پژوهش کاربردِ به‌روشنی و مطالعهٔ موردی انجام گرفت. جامعهٔ پژوهش را ۵۵۹ نفر از اعضای هیئت علمی «دانشگاه شهید چمران اهواز» و نیز حدود ۴ نفر از کارشناسان «سامانهٔ مدیریت اطلاعات پژوهشی» این دانشگاه تشکیل دادند. از جامعهٔ اساتید به کمک جدول «کرجسی-مورگان» نمونه‌گیری تصادفی-طبقه‌ای به عمل آمد. بر اساس این جدول، تعداد نمونه ۲۲۸ نفر از اعضای هیئت علمی است. پراکندگی استفاده‌کنندگان از سامانه در جدول ۱، نشان داده می‌شود.

برای سنجش نظر اعضای هیئت علمی، پرسشنامه‌ای بر اساس پرسشنامهٔ «زاهدی نوقایی» (۱۳۸۹) تهیه و تدوین گردید و در تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۰ به سه روش دستی، الکترونیکی و در باکس اساتید توزیع شد و در نهایت، در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۰ تعداد ۱۴۱ پرسشنامه برگشت داده شد؛ یعنی حدود ۶۱ درصد به پرسشنامه پاسخ دادند. همچنین، نظر کارشناسان سامانه از طریق مصاحبه گردآوری شد. برای سنجش روایی از روایی محتوایی استفاده شد. بدین صورت که پرسشنامه در اختیار چند نفر از اساتید گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی و روان‌شناسی صنعتی و سازمانی قرار گرفت تا سؤالات پرسشنامه از لحاظ محتوایی مورد بررسی قرار گیرند. پیشنهادها و نظرات این افراد در تدوین پرسشنامهٔ نهایی مد نظر قرار گرفت. اعتبار و پایایی از جمله مفاهیم برگرفته از روش‌های کمی در پژوهش‌های اجتماعی است و اگرچه محاسبهٔ این شاخص‌ها در حوزهٔ پژوهش‌های کمی با تکیه بر محاسبات و آزمون‌های آماری دقیق انجام می‌گیرد، کسب اطمینان از احراز پایایی و اعتبار در حوزهٔ کیفی، به دقتِ حوزهٔ کمی امکان‌پذیر نیست. حال با توجه به این‌که پژوهش حاضر از نوع کیفی است، سنجش پایایی آن در عمل امکان‌پذیر نبوده و لزومی ندارد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار «اس‌پی‌اس‌اس»^۱ و «اکسل»^۲ با روش‌های توصیفی تحلیل شد.

۴. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در این قسمت پس از تحلیل اطلاعات جمعیت‌شناختی بر پایهٔ یافته‌ها به پرسش‌های پژوهش پاسخ داده شد.

1. SPSS
2. Excel

۴-۱. آخرین مدرک تحصیلی

بیشتر اعضای هیئت علمی با ۹۵ درصد دارای مدرک تحصیلی دکتری و ۵ درصد دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد هستند. به طور کلی، بیشتر اعضای هیئت علمی، به خصوص در دانشگاه‌های دولتی، دارای مدرک تحصیلی دکتری هستند. علت این امر به ماهیت و هرم جمعیتی جامعه پژوهش و قوانین جاری آموزش عالی برمی‌گردد که بر اساس آن‌ها، جذب عضو هیئت علمی در دانشگاه‌های تابع وزارت علوم صرفاً با مدرک دکتری مجاز است.

۴-۲. مرتبه علمی

از آنجا که انتظار می‌رود متغیر مرتبه علمی بتواند بر تعداد تولیدات علمی و در نتیجه، بر نیاز به آشنایی با سامانه برای ذخیره‌سازی و مدیریت آثار تأثیر داشته باشد، این ویژگی نیز به عنوان یکی از اطلاعات جمعیت‌شناختی در پرسشنامه مورد توجه قرار گرفت. طبق شکل ۱، بیشترین درصد شرکت‌کنندگان بر اساس مرتبه علمی آن‌ها به ترتیب متعلق به استادیار (۵۶/۷ درصد)، دانشیار (۲۲ درصد)، استاد (۱۴/۹ درصد) و مربی (۶/۴ درصد) است. با توجه به بیشترین و کمترین درصدها و مشاهدات انجام‌شده، می‌توان گفت که احتمالاً علت این امر اولاً سیر طبیعی ارتقای مرتبه علمی در دانشگاه‌هاست که همواره نسبت تعداد افراد با مراتب بالاتر کمتر از مراتب پایین‌تر است، زیرا معمولاً همه موفق به ارتقای مرتبه نمی‌شوند و علت دیگر می‌تواند بازنشستگی تعداد زیادی از اعضای هیئت علمی با مرتبه‌های دانشیاری و استادی و ورود نیروی جوان به دانشگاه باشد.

تعداد انتشارات اعضای هیئت علمی هر دانشگاه نشان‌دهنده میزان تولیدات علمی و توجه آن دانشگاه به امر پژوهش است. هرچه حجم انتشارات بیشتر باشد، لزوم تدوین بسترهایی برای ثبت آن‌ها به عنوان برون‌داد دانشگاه اهمیت می‌یابد. از این جهت از اعضا درخواست شد که تعداد آثار علمی خود را به تفکیک شش نوع منبع اطلاعاتی ذکر کنند (کتاب، مقاله منتشرشده در مجلات، مقاله ارائه‌شده در همایش‌ها، طرح پژوهشی پایان‌یافته، پایان‌نامه دکتری، و پایان‌نامه کارشناسی ارشد).

یافته‌ها نشان داد که بالای ۲۵ درصد از اعضای هیئت علمی بین ۱ تا ۱۰ مقاله علمی منتشرشده در مجلات و مقاله ارائه‌شده در همایش‌ها دارند. همچنین، بین ۱ تا ۱۰ پایان‌نامه دکتری و پایان‌نامه کارشناسی ارشد هدایت کرده‌اند. همچنین، بیش از ۴۰ درصد اعضا بین

۱ تا ۱۰ کتاب و طرح پژوهشی داشته‌اند. به نظر می‌رسد سه منبع طرح پژوهشی، کتاب و مقالهٔ منتشرشده در مجلات بیشترین تولیدات علمی را در این دانشگاه به خود اختصاص داده است. ناگفته نماند که با افزایش تعداد انتشارات در هر یک از این سه نوع منبع، از تعداد افراد کاسته می‌شود. به نظر می‌آید که این امر با قانون «لوتکا»^۱ همخوانی دارد. لازم به ذکر است که از حدود نیمهٔ دههٔ ۱۳۸۰ بر اساس قوانین تشویقی «وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» رشد تولید آثار علمی در دانشگاه‌ها افزایش یافته و انتظار می‌رود این روند همچنان ادامه داشته باشد.

۳-۴. پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش

۳-۴-۱. نظر اعضای هیئت علمی «دانشگاه شهید چمران اهواز» دربارهٔ استفاده از «سامانهٔ مدیریت اطلاعات پژوهشی» این دانشگاه چگونه است؟

این پرسش به بررسی نظر اعضای هیئت علمی دربارهٔ «سامانهٔ مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز» می‌پردازد.

حدود ۹۳/۶ درصد از اعضای هیئت علمی وجود چنین سامانه‌ای را مفید می‌دانند. میزان بالای موافقت نشان‌دهندهٔ نگرش مثبت اعضای هیئت علمی نسبت به نیاز به «سامانهٔ مدیریت اطلاعات پژوهشی» است. البته، بیشتر اعضا استفاده از خدمات پژوهشی را جزء دلایل مفید بودن سامانه می‌دانستند. با توجه به اهمیت مخازن دانش سازمانی، شناسایی انواع منابع و دسترس پذیر ساختن آن‌ها از جمله اقدامات مهم در توسعه و پیشرفت این مخازن به شمار می‌آید.

در همین راستا، دو سؤال برای دریافت نظر اعضای هیئت علمی «دانشگاه شهید چمران اهواز» مطرح شد. اولین سؤال دربارهٔ موافقت اعضای هیئت علمی با ثبت انواع آثارشان در «سامانهٔ مدیریت اطلاعات پژوهشی» این دانشگاه بود. بر اساس یافته‌ها بیش از ۶۰ درصد اعضا موافقت خود را با ثبت آثارشان اعلام کردند. این امر نشان از دید مثبت نسبی اعضا در واگذاری آثارشان به سامانه دارد. البته، به نظر می‌آید با توجه به شرایط موجود «سامانهٔ مدیریت اطلاعات پژوهشی» و گله‌مندی‌هایی که وجود دارد، چنانچه مشکلات «سامانه» برطرف گردد، شاهد همکاری بیشتر از سوی آن‌ها خواهیم بود. برای تکمیل

1. Lotka

این اطلاعات، گویۀ دیگری با محوریت موافقت اعضای هیئت علمی با ارسال متن کامل آثار خود به سامانه ارائه شد. در این سؤال ده گزینه (مقاله، کتاب، طرح پژوهشی، وبلاگ، طرح درس، جزوه، وبسایت، اسلاید، سخنرانی و پایان‌نامه) ارائه گردید. بر اساس یافته‌ها، حدود ۸۸ درصد افراد نسبت به ثبت متن کامل مقاله خود نظر مثبت داشتند و در رابطه با سایر گزینه‌ها میزان رضایت، چندان مطلوب نبود. علت این امر احتمالاً به عدم رعایت قوانین حق مؤلف برمی‌گردد. به نظر می‌آید، چنانچه مسئولان سامانه تدابیر و سیاست‌هایی برای جلوگیری از سوء استفاده از آثار اعضای هیئت علمی در نظر بگیرند، می‌توان امیدوار بود که شاهد همکاری بیشتر اعضا در واگذاری متن کامل آثارشان باشیم و در این صورت یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مخازن دانش پژوهشی یعنی دسترس‌پذیری محقق می‌گردد. پژوهشگران دیگری نظیر (Wust (2004)، Pelizzari (2002) Vanbentum et al (2006) دریافتند که گرچه اعضای هیئت علمی با مخازن دانش سازمانی ناآشنا هستند، اما به واگذاری آثارشان به این مخازن علاقه‌مندند. پژوهش‌های (زاهدی نوقابی) «(۱۳۸۹)» و (Kyriaki et al (2013) نیز نشان از دید مثبت اعضای هیئت علمی نسبت به این مخازن داشت و اعضا مایل به سپردن آثار خود به این مخازن بودند. «بامیگولا» به این نتیجه رسید که اگرچه اعضای هیئت علمی دید مثبتی نسبت به این مخازن دارند، اما تمایل کمی به سپردن آثار خود به این مخازن نشان می‌دهند (Bamigbola 2014). لذا، با توجه به آنچه که در بالا ذکر شد، می‌توان گفت یافته‌های پژوهش حاضر تقریباً با یافته‌های همه همسوست، ولی با یافته‌های «بامیگولا» همسویی بیشتری دارد.

از موضوع‌هایی که در تداوم کار با سامانه و استفاده از آن تأثیرگذار است، چگونگی ارسال آثار به «سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه» است. هدف از طرح این سؤال، کسب اطلاع از نظر پاسخ‌دهندگان درباره فردی است که اطلاعات آثار علمی اساتید را در سامانه ثبت کرده است. یافته‌ها نشان داد که حدوداً بیش از ۹۰ درصد اعضای هیئت علمی آثارشان را خودشان به‌تنهایی در «سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی» ثبت کرده‌اند. زمانی که آگاهی اعضا نسبت به «سامانه» افزایش پیدا کند، مشارکت آنان در استفاده از آن نیز افزایش می‌یابد. ولی قبل از هر نوع برنامه‌ریزی به بررسی میزان آشنایی اعضای هیئت علمی با سامانه نیاز است.

بر اساس یافته‌ها حدود ۳۸/۳ درصد از اعضای هیئت علمی بیش از حد متوسط با این سامانه آشنایی دارند. بنابراین، انتظار می‌رود تا حد قابل قبولی توانایی کار با آن را

داشته باشند. از طرف دیگر، نزدیک به ۳۴/۸ درصد افراد معتقد بودند که در حد متوسط با «سامانه» آشنایی دارند. این افراد قادر به تعیین میزان آشنایی خود با «سامانه» در دستهٔ بالا یا پایین نیستند. با توجه به اطلاعات ارائه شده در شکل ۱، می‌توان چنین برداشت کرد که چون بیشتر آنان دارای مرتبهٔ استادیاری هستند و به دلیل آثار محدود، از «سامانه» کمتر استفاده می‌کنند، میزان آشنایی خود را متوسط اعلام کرده‌اند. بنابراین، ضروری است برای همهٔ اعضا، به‌ویژه در این گروه (دستهٔ متوسط)، کارگاه‌های آشنایی با «سامانه» برگزار گردد. این یافته‌ها با یافته‌های حاصل از پژوهش «زاهدی نوقابی» (۱۳۸۹) همسوست.

یکی از عوامل تأثیرگذار بر استفادهٔ اعضای هیئت علمی از «سامانهٔ مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه»، ترویج و اطلاع‌رسانی دربارهٔ ویژگی‌های آن است. یافته‌ها نشان داد که اطلاع‌رسانی در مورد «سامانه» در حد متوسط بوده است. بنابراین، برای استفادهٔ مطلوب از آن باید معرفی مناسبی برای اعضای هیئت علمی به عمل آید و هرگونه تغییر در «سامانه»، که بر استفادهٔ اعضا از آن تأثیرگذار است، نیز اطلاع‌رسانی شود. پژوهش‌های بسیاری مانند «زاهدی نوقابی» (۱۳۸۹)، Lynch (2005) and Lippincott (2005) و Van Westrienen and Lynch (2005) اطلاع‌رسانی و آگاهی‌دادن به اعضای هیئت علمی را از جمله عوامل تأثیرگذار بر استفاده از مخزن دانش سازمانی دانسته‌اند. بنابراین، می‌توان گفت که یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های ذکر شده مطابقت دارد.

به‌منظور اطلاع از وضعیت آموزش دربارهٔ «سامانه»، نظر اعضای هیئت علمی در این رابطه بررسی شد. طبق یافته‌ها، نیمی از شرکت‌کنندگان در پژوهش، در دوره‌های آموزشی حضور داشته‌اند و دقیقاً همین تعداد در دوره‌ها شرکت نداشته‌اند. دوره‌های آموزشی نقش بسیار مهمی در افزایش آگاهی اعضا نسبت به «سامانه» و کاربردهای آن دارد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که جامعهٔ پژوهش حاضر همچنان به برگزاری دوره‌های آموزشی برای آشنا شدن با شیوهٔ استفاده از آن و بالا بردن آگاهی اعضا نیازمند است. «زاهدی نوقابی» نیز در پژوهش خود بر اهمیت دوره‌های آموزشی در افزایش آگاهی و آشنایی اعضای هیئت علمی با مخازن دانش سازمانی تأکید کرده است (۱۳۸۹).

برای بررسی وضعیت استفادهٔ اعضا از این سامانه به‌عنوان بستری برای ذخیره و نگهداری اطلاعات، دو سؤال در پرسشنامه گنجانده شد. در این قسمت، اعضا باید

مشخص می‌کردند که از چه ابزارهایی برای ذخیره اطلاعات آثار خود استفاده می‌کنند. چگونگی ذخیره و سازماندهی اطلاعات منابع منتشرشده توسط هر فرد، بیانگر نگرش او نسبت به استفاده از ابزارهای سازماندهی اطلاعات علمی است. به عبارت دیگر، انتظار می‌رود کسی که جهت مدیریت اطلاعات آثار خود از فناوری استفاده می‌کند، از چگونگی استفاده از «سامانه» نیز آگاه‌تر باشد و مشکل کمتری در استفاده از آن داشته باشد. یافته‌ها نشان داد که هنوز گروهی از اعضا به استفاده از ابزارهای سنتی (نرم‌افزار Word) برای سازماندهی آثار خود گرایش دارند. افزون بر این باید اشاره کرد که تعداد اندکی از اعضای هیئت علمی برای نگهداری سیاهه منابع علمی خود از ابزارهای متفاوتی به صورت همزمان استفاده می‌کنند. این در حالی است که اگر آن‌ها بتوانند به صورت مطلوبی از «سامانه» استفاده کنند، ممکن است نیازی به استفاده از ابزارها و بسترهای متعدد نباشد. در همین راستا، «فاستر و گیونز» کاربرد ابزارهای دیجیتال در انجام پژوهش را بر افزایش تمایل اعضا برای واگذاری آثار به سامانه تأثیرگذار می‌دانند. در این پژوهش نیز ابزارهایی چون پست الکترونیک، واژه‌پرداز، صفحه گسترده و وبسایت‌ها از ابزارهای مورد استفاده پژوهشگران بودند (Foster and Gibbons 2005). در این رابطه یافته‌های پژوهش «زاهدی نوقابی» نشان داد که با وجود استفاده گسترده اعضای هیئت علمی از مخزن دانش پژوهشی، آنان همچنان به استفاده از ابزارهای سنتی تمایل دارند (۱۳۸۹).

سادگی استفاده از مخزن دانش سازمانی نقش مستقیمی در استقبال مداوم و گسترده اعضا از آن دارد، زیرا اگر سامانه‌ای مفید، متناسب با نیازها و نوین طراحی شده باشد، ولی استفاده از آن برای کاربر آسان نباشد، میزان استفاده از آن کاهش می‌یابد. از این رو، نظر اعضا درباره آسانی استفاده از سامانه پرسیده شد. یافته‌ها نشان داد که کار با «سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران» تا حدودی ساده است، ولی این سامانه همچنان نیازمند تغییر و تحول به سمت جلب رضایت کاربران و افزایش کاربرپسندی است. جالب این است که «زاهدی نوقابی» در سال ۱۳۸۹ در «مشهد» نیز به نتایج مشابهی در این زمینه دست یافت و این بیانگر آن است که نرم‌افزارهای مربوطه در کشور کمابیش در سطح مشابهی بوده و هنوز نتوانسته‌اند خود را با انتظارات کاربران وفق دهند. به طور کلی، در پاسخ به این سؤال می‌توان بیان کرد که همه پاسخ‌دهندگان به علت

بهره‌گیری از خدمات پژوهشی ناچار به استفاده از سامانه هستند. آن‌ها خود، اطلاعات منابع تولیدشدهٔ خود را وارد می‌کنند. بنابراین، آشنایی با «سامانه» برای آن‌ها اهمیت زیادی دارد. اگرچه بیشتر آن‌ها اعلام کردند که با «سامانه» آشنا هستند، ولی استفاده از آن را مشکل می‌دانستند. به نظر می‌آید که کاربرپسند نبودن نرم‌افزار، کمبود اطلاع‌رسانی و برنامه‌های آموزشی مرتبط با «سامانه»، و نبود اطلاع‌رسانی مناسب در این رابطه این مشکل را بیشتر می‌نماید.

۴-۳-۲. آیا بین نظرات گروه‌ها در رابطه با «سامانهٔ مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز» رابطهٔ معنا داری وجود دارد؟

این سؤال به بررسی رابطهٔ بین نظرات دو گروه، کارشناسان «سامانه» و اعضای هیئت علمی «دانشگاه شهید چمران اهواز» پیرامون سامانهٔ مدیریت اطلاعات پژوهشی «این دانشگاه می‌پردازد. از آنجا که برای پاسخ به این سؤال، با توجه به کیفی بودن داده‌ها نمی‌توانیم از آزمون‌های مربوط به پژوهش‌های کمی استفاده کنیم، به بررسی پاسخ‌های دریافتی از سؤالات پرسشنامه و مصاحبهٔ انجام‌شده پرداختیم.

طبق یافته‌های حاصل از بررسی پاسخ‌ها، اعضای هیئت علمی با مشکلات متعددی در استفاده از «سامانه» روبه‌رو بودند و به‌طور کلی، این سامانه را مطلوب و درخور «دانشگاه شهید چمران اهواز» نمی‌دانستند. آنان با ارائهٔ راهکارهایی سودمند خواهان ارتقا و یا جایگزینی «سامانه» با یک سامانهٔ جدید شدند. این در حالی بود که کارشناسان ادعا داشتند وضعیت «سامانه» نسبتاً مطلوب است و نیازی به حذف و یا ارتقای آن وجود ندارد. حدود ۵۰ درصد از اعضای هیئت علمی بهترین راهکار برای ارتقای «سامانه» را به‌روزرسانی و کارآمد کردن آن معرفی کردند. این در حالی بود که کارشناسان، «سامانه» را به‌روز می‌دانستند و بهترین راهکار برای ارتقای سامانه را در بهبود وضعیت آموزشی از طریق به‌روزرسانی اطلاعات کامپیوتری اساتید اعلام داشتند. تنها نقطهٔ اشتراک بین نظرات دو گروه، برگزاری دوره‌ای کارگاه‌های آموزشی جهت معرفی «سامانه» و نحوهٔ استفاده از آن برای کاربران بود. در رابطه با کارگاه‌های آموزشی حدود نیمی از اعضا در کارگاه‌ها شرکت کرده بودند و رضایت خود را نسبت به سودمندی کارگاه‌ها و توانایی استفاده از یافته‌های خود اعلام داشتند. اما حدود نیمی از آن‌ها نیز به دلایل مختلف مانند محدود بودن تعداد جلسات تشکیل کارگاه‌ها، مشغله‌های کاری، جدیدالورود بودن اعضا و غیره موفق به شرکت در کارگاه‌ها نشده بودند. کارشناسان «سامانه» نیز یکی از دلایل عدم

رضایت کاربران را محدود بودن دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های آشنایی با آن اعلام داشتند. آن‌ها بیان کردند که این کارگاه‌ها در اوایل راه‌اندازی «سامانه» تشکیل شده، ولی تداوم چشمگیری نداشته است. از این رو، با توجه به محدود بودن تعداد این جلسات، اکثر کاربران آموزش‌های لازم را ندیده و در استفاده از «سامانه» دچار مشکل می‌شوند.

۳-۳-۴. مشکلات و نقائص احتمالی «سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز» از نظر کارشناسان این سامانه و اساتید دانشگاه چیست؟

پی بردن به مشکلات و چالش‌های پیش روی اعضای هیئت علمی می‌تواند برنامه‌ریزان و مسئولان «سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز» را در بهبود عملکردهای این سامانه راهنمایی کند. بیش از ۸۰ درصد اعضای هیئت علمی هدف از ثبت اطلاعات علمی خود در سامانه را استفاده از ترفیع و طرح پژوهانه اعلام داشتند. بنابراین، می‌توان استنباط کرد که استفاده از خدمات پژوهشی دانشگاه، انگیزه اصلی اعضای هیئت علمی در ثبت اطلاعات خود در این سامانه است. «زاهدی نوقابی» نیز در پژوهش خود به همین نتیجه دست یافت (۱۳۸۹). سایر اهداف اعضا از ثبت اطلاعات در «سامانه» به ترتیبی است که در زیر می‌آید:

- ◇ تهیه سیاهه‌ای از آثار برای استفاده‌های بعدی؛
- ◇ فراهم کردن امکان دسترسی به آثار برای دیگران از طریق وبسایت دانشگاه؛
- ◇ بهره‌مند شدن از طرح تشویقی مقالات؛
- ◇ افزایش تعداد استاد به آثار؛
- ◇ شرکت در مجامع علمی خارج از کشور، و؛
- ◇ استفاده از مأموریت فرصت مطالعاتی.

بر خلاف نتایج پژوهش «کیم» که نشان داد افراد برای دسترسی آزاد و استفاده عمومی از اثر خود به استفاده از مخازن سازمانی روی آورده بودند (Kim 2007)، هدف بیشتر اعضای «دانشگاه شهید چمران اهواز» از ثبت آثار خود در «سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی» تحت تأثیر خدمات پژوهشی این دانشگاه است. این امر ناظر بر الزامی است که توسط دانشگاه در ارسال آثار به «سامانه» به وجود آمده است. چنین الزامی توسط «جنتز و ویلسون» نیز مورد اشاره قرار گرفته است (Jantz and Wilson 2008).

پژوهش «فاستر و گیونز» مهم‌ترین دلایل ثبت آثار در مخازن را اشاعهٔ سریع تر و گسترده‌تر، خواندن، بررسی، به‌اشتراک‌گذاری و دسترس‌پذیری آثار برای دیگران می‌دانند (Foster and Gibbons 2005). ولی در پژوهش حاضر، این هدف‌ها در اولویت نبودند. این تفاوت نظر می‌تواند ناشی از تفاوت فرهنگی و شناختی بین دو جامعه باشد. یکی از دلایل می‌تواند قوی نبودن فرهنگ به‌اشتراک‌گذاری دانسته‌ها توسط افراد باشد که خود می‌تواند ریشه در فرهنگ اجتماعی و علمی این جامعه داشته باشد. با این وجود، ۴۱ درصد از اعضا دسترسی دیگران و نزدیک به ۲۶ درصد از آن‌ها افزایش استناد به آثار خود را در زمرهٔ اهداف خود دانسته‌اند. با برنامه‌ریزی مدون و دقیق برای آموزش اعضای هیئت علمی می‌توان شناخت آن‌ها را از اهمیت و ارزش افزودهٔ دسترس‌پذیر ساختن آثارشان و استناد به آن‌ها افزایش داد. البته، همان‌طور که اشاره شد، این وضعیت گویای آن است که رویکرد مدیریت دانش و توجه به اشتراک دانش در این جامعه ضعیف است. بدیهی است برای جبران این ضعف، فرهنگ‌سازی در این رابطه یکی از مهم‌ترین برنامه‌هایی است که لازم است مدیریت دانشگاه در دستور کار خود قرار دهد.

از دیگر چالش‌های پیش روی اعضای هیئت علمی، نیاز به فرد جایگزین برای ثبت اطلاعات است. گرچه بیش از ۹۰ درصد اعضای هیئت علمی آثار خود را به‌تنهایی و بدون هیچ کمکی در «سامانه» ثبت می‌کنند، اما اکثر آن‌ها به‌دلایل گوناگون مانند کمبود وقت، مشکل کار کردن با سامانه و غیره خواهان ثبت آثار خود توسط دیگران هستند. از این رو، از اعضایی که وجود جایگزین برای ثبت اطلاعات را لازم دانستند، خواسته شد تا از بین شش گویهٔ ارائه‌شده، مناسب‌ترین گزینه را پیشنهاد کنند (امکان پاسخ‌گویی به بیش از یک گزینه وجود داشت). در جدول ۲، منظور از گزینه‌های موافق، ممتنع و درصد موافقان به‌ترتیب عبارت است از: تعداد افرادی که گویهٔ مورد نظر را به‌عنوان نهاد مناسب برای ثبت آثار خود قبول داشتند، تعداد افرادی که در خصوص نهاد مناسب برای ثبت آثار خود در «سامانه» هیچ‌گونه نظری نداشتند و درصد افرادی که گویهٔ مورد نظر را به‌عنوان نهاد مناسب برای ثبت آثار خود قبول داشتند.

طبق یافته‌های جدول ۲، مناسب‌ترین نهاد از نظر اعضا برای ثبت اطلاعات، به‌ترتیب کارشناس گروه و معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اعلام شد. بر پایهٔ نظر پاسخ‌دهندگان، چون کارشناس گروه به‌طور مستمر در جریان فعالیت‌های اعضا

قرار دارد، تعدادی از اعضا این فرد را به عنوان مسئول ورود اطلاعات آثار ارجح می‌دانند. بقیه نهادهای معرفی شده، توسط تعداد کمی به عنوان مراکز مناسب برای این مسئولیت در نظر گرفته شدند. همسو با یافته‌های پژوهش حاضر، «پلیزاری» نیز در پژوهش خود دریافت که به نظر اعضا، فرد دیگری مانند کارمندان فنی و یا اجرایی بخش یا دانشکده باید اطلاعات آن‌ها را به سامانه وارد کنند (Pelizzari, 2004). برخی از پژوهشگران مثل «جنتز و ویلسون» معتقدند که کتابداران می‌توانند به عنوان میانجی بین اعضای هیئت علمی و مدیران دانشگاه به گردآوری محتوا پردازند. به باور آن‌ها کتابداران قادرند از طریق گفت‌وگوی غیررسمی انگیزه همکاری اعضا در واگذاری آثار خود را افزایش دهند (Jantz and Wilson 2008). پژوهش‌های (Lam and Chan 2007) و Palmer et al. (2008) نیز استفاده از کتابداران به عنوان افراد متبحر را تأیید کردند. «زاهدی نوقابی» (۱۳۸۹)، Chan et al. (2005)، Grundman (2009) و Newton et al. (2011) در پژوهش خود به نقش کتابداران در مخازن سازمانی تأکید کردند. در پژوهش «واتسون» مشخص شد که اعضای هیئت علمی مایل بودند کتابخانه آثار آن‌ها را در مخزن دانش سازمانی ثبت کند، زیرا درباره واگذاری کامل آثار خود به «سامانه» اطمینان نداشتند (Watson 2007). بر خلاف یافته‌های پژوهش‌های ذکر شده، در پژوهش حاضر تنها تعداد محدودی از اعضای هیئت علمی (۱۶ درصد) مایل بودند که کتابخانه آثار آن‌ها را در مخزن سازمانی دانشگاه ثبت کند.

از دیگر چالش‌ها در رابطه با استفاده از «سامانه»، سودمندی دوره‌های آموزشی برگزار شده برای اعضای هیئت علمی است. به همین منظور، از افرادی که تا زمان انجام این پژوهش در دوره آموزشی شرکت کرده بودند، خواسته شد تا نظر خود را درباره سودمندی و کاربرد آن دوره بیان کنند. طبق یافته‌ها، حدود ۹/۲ درصد از شرکت کنندگان در دوره آموزشی، آن را نامطلوب، ۲۸/۴ درصد آن را متوسط و ۹/۹ درصد آن را سودمند دانستند. انتظار می‌رود برگزاری بیشتر آموزش‌های باکیفیت و مداوم به افزایش بهره‌وری آن‌ها و در نتیجه، به تثبیت یادگیری اعضا بیانجامد.

اگرچه نزدیک به ۴۹/۶ درصد از اعضا در دوره‌های آموزشی برگزار شده شرکت نکرده‌اند، ۵۱/۱ درصد از آن‌ها نیاز به آموزش برای استفاده از «سامانه» را اعلام داشتند. از آنجا که روش آموزش می‌تواند بر میزان مشارکت و یادگیری افراد اثر گذارد،

از اعضای هیئت علمی در مورد روش‌های آموزش مناسب سؤال شد. افرادی که نیاز به آموزش داشتند، می‌توانستند در پرسشنامه، نوع و روش آموزش دلخواه خود را برگزینند (امکان انتخاب بیش از یک گزینه وجود داشت).

طبق یافته‌ها، اعضای هیئت علمی کارگاه‌های آموزشی و کمک الکترونیکی در زمان نیاز را از مناسب‌ترین روش‌ها برای آموزش می‌دانند. از این رو، آموزش‌های کاربرمدار و استفاده از روش‌های مناسب آموزشی متناسب با نیاز کاربران باید مورد توجه قرار گیرد. همسو با پژوهش حاضر، «زاهدی نوقابی» نیز در پژوهش خود بر سودمندی دوره‌های آموزشی و استفاده از روش‌های مناسب آموزشی تأکید کرد (۱۳۸۹).

از مهم‌ترین موارد برای دسترس‌پذیر کردن اطلاعات مخزن دانش پژوهشی، مکانی است که اطلاعات وارد شده به «سامانه» قابل جست‌وجو و نمایش باشد. در پژوهش حاضر، تا زمان توزیع پرسشنامه‌ها، تنها راه دسترسی به اطلاعات اعضای هیئت علمی، صفحهٔ خانگی آن‌ها بر روی پورتال دانشگاه بود. این شیوه برای دسترسی به منابع تولید شده توسط تمام اعضا بسیار وقت‌گیر است. با وجود این، بیشتر افراد شرکت‌کننده در پژوهش از وضعیت فعلی نمایش اطلاعات راضی بودند. تهیهٔ صفحهٔ خاص پژوهشگران ویژگی مناسبی است که برخی از صاحب‌نظران مانند Foster and Gibbons (2005) بر ضرورت آن تأکید داشته‌اند. در زمان گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر (اسفند ۱۳۹۴)، صفحهٔ خاص پژوهشگران در پورتال «دانشگاه شهید چمران اهواز» پیش‌بینی نشده بود، لیکن در خرداد ماه ۱۳۹۵ این امکان فراهم شد و اکنون هر یک از اعضای هیئت علمی می‌توانند یک صفحهٔ شخصی در این پورتال داشته باشند. آنچه که منجر به استفادهٔ کارا از این اطلاعات می‌شود، دسترس‌پذیر ساختن آن در مکانی مناسب است که کاربران بتوانند به‌سادگی آن را تشخیص داده و با سهولت از آن استفاده کنند. بنابراین، از افراد مردد یا ناراضی از امکان نمایش درخواست شد مکان مناسب برای دسترسی به آثار را (با امکان انتخاب بیش از یک گزینه) اعلام کنند.

بر اساس یافته‌ها از نگاه افراد شرکت‌کننده در پژوهش حاضر به ترتیب، پورتال هر دانشکده، پورتال معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه، صفحهٔ اصلی پورتال دانشگاه، پورتال مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه و پورتال مدیریت فناوری اطلاعات مناسب‌ترین مکان‌ها جهت دسترسی به آثار و دستاوردهای

اعضای هیئت علمی اعلام شدند. شرکت کنندگان در پژوهش «جتز و ویلسون» مهم‌ترین مسیرهای دسترسی به صفحه آغازین مخزن دانش سازمانی دانشگاه را صفحه‌های ارتباط علمی، صفحه مخصوص اعضای هیئت علمی دانشکده‌ها، مجموعه‌ها و منابع الکترونیکی دانشگاه و صفحه آغازین کتابخانه دانستند (Jantz and Wilson 2008). بر خلاف پژوهش حاضر که تنها تعداد محدودی از اعضا (۱۶ درصد)، پورتال مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه مرکزی دانشگاه را مکانی مناسب برای اشاعه آثار خود می‌دانستند، این پژوهشگران، پورتال کتابخانه را بهترین مکان برای اشاعه آثار اعضا اعلام داشتند؛ چرا که آگاهی آن‌ها از مخزن دانش سازمانی و تعداد واگذاری آثار را به واسطه کتابداران تحت تأثیر قرار می‌دهد.

مشکلات استفاده از «سامانه» می‌تواند در نگرش کاربران نسبت به آن تأثیرگذار باشد. از این رو، از افرادی که کار با «سامانه» را ساده نمی‌دانستند، با ارائه امکان انتخاب بیش از یک پاسخ درخواست شد که مشکلات آن را بیان کنند. از دیدگاه کاربران مشکلات مربوط به ثبت اطلاعات در «سامانه» (۶۲ درصد) و عدم جذابیت «سامانه» (۴۶ درصد) از چالش‌برانگیزترین موارد شناخته شد. از آنجا که واگذاری صحیح منابع و ثبت اطلاعات، شالوده و بنیان سایر فعالیت‌ها در «سامانه» است، توجه ویژه برای کاهش مشکلات در این بخش ضروری است. کمبود وقت برای ثبت اطلاعات و اصلاح اطلاعات واردشده قبلی (۴۲ درصد)، بازخورد در استفاده از «سامانه» (۳۲ درصد)، جست‌وجوی کتاب یا مقاله‌ای خاص از «سامانه» و ساختار نمایش و ارائه اطلاعات در صفحه (۲۸ درصد) و پیچیدگی استفاده از «سامانه» (۲۶ درصد) از جمله مشکلات دیگری بودند که بیش از ۲۵ درصد افراد به آن‌ها اشاره داشتند. این موارد در ارتباط با تعامل کاربر با «سامانه» است. لازم به توضیح است که بررسی محیط رابط کاربر «سامانه» هدف این پژوهش نبود، ولی بر اساس مسائل بیان‌شده می‌توان دریافت که در این مورد نیز مشکلاتی وجود دارد. در نهایت، بررسی و رفع مشکلات گوناگون که مورد اشاره قرار گرفت، می‌تواند بر میزان رضایت کاربران، کاربرد داوطلبانه و همراه با خرسندی آن‌ها از «سامانه» تأثیر داشته باشد. در این زمینه پژوهش «زاهدی نوقابی» (۱۳۸۹)، Doctor and Ramachandran (2008) نیز همسو با نتایج این پژوهش است.

۴-۳-۴. چه راهکارهایی برای ارتقا و بهبود عملکرد «سامانهٔ مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز» وجود دارد؟

آخرین سؤال پژوهش مربوط به ارائهٔ راهکار برای ارتقا و بهبود عملکرد «سامانهٔ مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز» است. برای پاسخ به این سؤال به بررسی پیشنهادهای اعضای هیئت علمی و کارشناسان این سامانه می‌پردازیم. در جدول ۳، منظور از گزینه‌های هماهنگی، متنوع و درصد هماهنگی به ترتیب، عبارت است: از تعداد افرادی که گویۀ مورد نظر را به‌عنوان مشکل استفاده از «سامانه» قبول داشتند، تعداد افرادی که گویۀ مورد نظر را به‌عنوان مشکل استفاده از «سامانه» هیچ‌گونه نظری نداشتند، و درصد

طبق یافته‌های جدول ۳، از مجموع ۱۴۱ نفر، تعداد ۷۶ نفر به این سؤال پاسخ دادند. در این میان بیشترین میزان هماهنگی مربوط به به‌روزرسانی و کارآمد کردن «سامانه» (۵۰/۰ درصد) و افزایش سرعت سیستم، افزایش مقدار حجم در نظر گرفته‌شده برای فایل‌ها و توانایی ثبت انواع فرمت‌های دیجیتال (۴۳/۰ درصد) بود. پیشنهادهای مطرح‌شده از سوی اعضای هیئت علمی حاصل کار با «سامانه» و دست‌وپنجه نرم کردن با مشکلات این سامانه است. این است که استفاده از این پیشنهادها و راهکارها می‌تواند در ارتقای آن نقش تعیین‌کننده باشد. دقت نظر و توجه مسئولان به موارد ذکرشده، زمینهٔ پیشرفت و رشد دانشگاه و ایجاد حس رضایت در کاربران را به همراه خواهد داشت.

کارشناسان «سامانهٔ مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز» وضعیت «سامانه» را تا حدود زیادی مطلوب اعلام کردند، ولی با وجود این، برای بهینه کردن آن چند راهکار ارائه دادند که عبارت‌اند از: نظرسنجی از کاربران به‌منظور شناخت نقایص، اختصاص بودجهٔ بیشتر به «سامانه»، برگزاری کارگاه‌های آموزشی به‌صورت دوره‌ای جهت آشنایی با «سامانه»، و بهبود وضعیت آموزش از طریق به‌روز کردن اطلاعات کامپیوتری اعضای هیئت علمی. نظرسنجی از کاربران برای شناخت نیازها، استفاده از ایده و راهکارهای آن‌ها جهت دستیابی به موفقیت و پیشرفت از جنبه‌های گوناگون (سازمان، سامانه و کاربران) نیازی ضروری است و همواره باید مورد توجه مدیران و مسئولان قرار گیرد. شایان ذکر است که با انجام پژوهش حاضر در واقع، بخش عمده‌ای از انتظارات و راهکارهای کارشناسان پژوهشی عملاً برآورده شده و نتایج حاضر می‌تواند به‌عنوان نتایج نظرسنجی و نیازسنجی از کاربران برای بهبود بخشیدن به «سامانهٔ مدیریت اطلاعات

پژوهشی» مورد استفاده آن‌ها قرار گیرد.

۵. بحث و نتیجه گیری

استفاده کننده اصلی از «سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز»، اعضای هیئت علمی هستند. آن‌ها برای استفاده از خدمات پژوهشی دانشگاه ناچار به استفاده از این سامانه و ثبت آثار خود در آن هستند. بنابراین، به هر نحو ممکن، اطلاعات خود را در این «سامانه» ثبت می‌کنند. بر همین مبنا، توسعه «سامانه» به گونه‌ای که ثبت سریع و آسان آثار علمی را امکان‌پذیر سازد، ضروری است. تا زمان انجام این پژوهش، مطالعه‌ای در مورد این سامانه انجام نشده است و این پژوهش نخستین نظرسنجی و ارزیابی مخزن دانش سازمانی دانشگاه به شمار می‌آید. نتایج نشان داد که استفاده از این سامانه برای بیشتر اعضا مشکل بوده و نبود آموزش از مهم‌ترین دلایل آن است. بسیاری از اعضا چگونگی استفاده از «سامانه» را ندیده‌اند و از فرایند ثبت آثار در آن ناآگاه هستند. وجود مشکل، به‌ویژه در مرحله ثبت آثار، مشکلاتی را در کل فرایند ذخیره و بازیابی به وجود می‌آورد و در نهایت، باعث می‌شود دستیابی به هدف‌های «سامانه» با دشواری همراه شود. بر پایه یافته‌های این نظرسنجی می‌توان بیان داشت که استفاده از آن تا حد زیادی در بین اعضای هیئت علمی نهادینه شده است. اگرچه نباید اثر الزام به استفاده از خدمات پژوهشی بر این امر را نادیده گرفت، ولی همراهی مناسبی از سوی اعضا مشاهده می‌شود. به هر حال، اجرایی شدن پیشنهادهای این پژوهش می‌تواند در رفع مشکلات آن تأثیرگذار باشد. همچنین، دستیابی به هدف‌های مورد انتظار اعضای هیئت علمی و نیز هدف‌های یک مخزن دانش سازمانی، به‌ویژه در افزایش استفاده‌پذیری، دسترسی و پدیداری آثار و دانشگاه، موفقیت‌های بیشتر در استفاده از «سامانه» و گرایش بیشتر به آن در گرو توجه به پیشنهادهای کاربردی چنین پژوهش‌هایی است. در نهایت، با بهبود هرچه بیشتر این سامانه می‌توان امیدوار بود که بخش مهمی از زیرساخت لازم برای پیاده‌سازی مدیریت دانش در «دانشگاه شهید چمران اهواز» فراهم شود.

۶. پیشنهادهای پژوهش

با توجه به مشکلات اظهارشده اعضای هیئت علمی در تعامل با «سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی»، به نظر می‌رسد که لازم است این سامانه بازطراحی و ارتقا یافته و

برای کاربرپسند کردن آن توسط مسئولان ذی ربط در حوزهٔ معاونت پژوهشی و فناوری و نیز مدیریت فناوری اطلاعات دانشگاه اقدام شود.

۱. لازم است برای برگزاری کارگاه‌های آموزشی مستمر به منظور اطلاع‌رسانی به شیوه‌های گوناگون در مورد «سامانهٔ مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز» برنامه‌ریزی شده و این برنامه‌ها و آموزش‌های لازم توسط مسئولان ذی ربط در حوزهٔ معاونت پژوهشی و فناوری این دانشگاه به‌طور منظم برگزار گردد؛
۲. لازم است تمهیداتی فراهم شود تا از متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی که به امور مدیریت اطلاعات و نیز رتبه‌بندی سازمان‌ها آشنا هستند، در کمک به ثبت آثار و سازماندهی اطلاعات موجود در مخزن دانش سازمانی «دانشگاه شهید چمران اهواز» استفاده شود. برای این منظور لازم است شرح کار و وظایف لازم برای این کتابداران در دانشکدهٔ مربوطه تعریف شود؛
۳. لازم است امکان دسترسی به آثار اعضا در «سامانهٔ مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز» از طریق دروازه‌های اطلاعاتی مانند سایت کتابخانهٔ مرکزی فراهم گردد؛ و
۴. لازم است به‌طور مداوم از اعضا توسط واحد مربوطه در حوزهٔ معاونت پژوهشی دانشگاه نظرسنجی شده و از نظرات به‌دست آمده در گسترش و تحول سامانه استفاده گردد.

قدردانی

از استاد گرانقدر جناب آقای پروفیسور «فرج پهلوی» و سرکار خانم «گودرزی» کارشناس «سامانهٔ مدیریت اطلاعات پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز» که به این جانب یاری رساندند، صمیمانه سپاسگزارم.

فهرست منابع

- پریخ، مه‌ری، و مهدی زاهدی نوقابی. ۱۳۹۱. بررسی نگرش اعضای هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد دربارهٔ بهره‌گیری از مخازن سازمانی آن دانشگاه. *پژوهشنامهٔ کتابداری و اطلاع‌رسانی* ۲: ۱۳-۳۲.
- _____. ۱۳۹۴. چگونگی ارزیابی نرم‌افزارهای مخزن سازمانی: تجربه‌ای از یک مورد. *پژوهش و مدیریت اطلاعات* ۳۰ (۳): ۷۸۵-۸۲۲.

- جهان‌نیده، اکبر و نوید روهنده. ۱۳۹۳. تأثیر عوامل سازمانی بر مدیریت دانش. تهران: نظری.
- زاهدی نوقابی، مهدی. ۱۳۸۹. بررسی مخزن سازمانی دانشگاه فردوسی مشهد و سنجش همخوانی آن با معیارهای تخصصی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی. دانشگاه فردوسی مشهد.
- زنجیرچی، محمود، و مزده ربانی. ۱۳۸۵. رویکردی به دانش آفرینی. تدبیر، شماره ۱۷۵. ص ۱۳۲.
- صمیمی، ۱۳۸۹. بررسی عوامل مؤثر در ایجاد مخزن دانش الکترونیک در شرکت آب و فاضلاب شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، تهران.
- Abrizah, A., A. Noorhidawati, & K. Kira. 2010. Global visibility of Asian universities' Open Access institutional repositories. *Malaysian Journal of Library and Information Science* 15 (3): 53-73.
- Aguillo, I. F., J. L. Ortega, M. Fernández, & A. M. Utrilla. 2010. Indicators for a webometric ranking of open access repositories. *Scientometrics* 82 (3): 477-486.
- Bamigbola, Alice A. 2014. Surveying Attitude and Use of Institutional Repositories (IRs) by Faculty in Agriculture Disciplines: A Case Study. *Procedia-Social and Behavioral Sciences* 147 (2014): 505-509.
- Chan, D., Kwok, C., & Yip, S. (2005). Changing roles of reference librarians: The case of the HKUST Institutional Repository. *Reference Services Review*, 33 (3), 268-282.
- Doctor, G., & Ramachandran, S. (2008). Considerations for implementing an institutional repository at a business school in India. *International Journal of Information Management*, 28 (5), 346-354.
- Ferreira, M., E. Rodrigues, A. A. Baptista, & R. Saraiva. 2008. Carrots and sticks: Some ideas on how to create a successful institutional repository. *D-lib magazine* 14 (1): 3.
- Foster, Nancy Fried, and Susan Gibbons. 2005. Understanding Faculty to Improve Content Recruitment for Institutional Repositories. Online Submission, 11 222-223.)1(.
- Grundmann, Amanda. 2009. Increasing Self-Archiving of Faculty Publications in Institutional Repositories. *Open and Libraries Class Journal* 1 (2). <http://smartech.gatech.edu/handle/1853/28419> (accessed August 19, 2010).
- Jantz, Ronald C., and Myoung C. Wilson. 2008. Institutional repositories: Faculty deposits, marketing, and the reform of scholarly communication. *The journal of academic librarianship* 34.3 (2008): 186-195.
- Kim, J. (2007). Finding Documents in a Digital Institutional Repository: DSpace and Eprints. *Proceedings of the American Society for Information Science and Technology*, 42 (1).
- Kyriaki-Manessi, D., A. Koulouris, G. Giannakopoulos, S. and Zervos. 2013. Exploratory research regarding faculty attitudes towards the institutional repository and self archiving. *Procedia-Social and Behavioral Sciences* 73: 777-784.
- Lam, K. T., & Chan, D. L. (2007). Building an institutional repository: sharing experiences at the HKUST Library. *perspectives*, 23 (3), 310-323.
- Lee, J., Kim, Y., & Choi, B2015) .) "Development and validation of knowledge management performance measurement constructs for small and medium enterprises", *Journal of Knowledge Management*, Vol. 19 Issue: 4, pp. 711-734, <https://doi.org/10.1108/JKM-10-2014-0398>.
- Lam, K. T., & Chan, D. L. (2007). Building an institutional repository: sharing experiences at the HKUST Library. *perspectives*, 23 (3), 310-323.
- Lynch, C. A., & Lippincott, J. K. (2005). Institutional repository deployment in the United.
- Markey, K., S. Y. Rieh, B. St Jean, E. Yakel, and X. Yao. 2009. Secrets of Success: Identifying Success

- Factors in Institutional Repositories. In 4th International Conference on Open Repositories, US.
- Mercer, H., B. Rosenblum, and A. Emmett. 2007. A multifaceted approach to promote a university repository: The University of Kansas' experience. *OCLC Systems & Services: International digital library perspectives* 23 (2): 190-203.
- Newton, M. P., Miller, C. C., & Bracke, M. S. (2011). Librarian roles in institutional repository data set collecting: outcomes of a research library task force. *Collection management*, 36 (1), 53-67.
- Palmer, Carole L., Lauren C. Teffeau, and Mark P. Newton. (2008). Strategies for Institutional Repository Development: A Case Study of Three Evolving Initiatives. *Library Trends* 57 (2): 142-67.
- Pelizzari, E. (2004). "Academic authors and open archives: a survey in the social science field." *Libri*, 54, p.113-122. Retrieved November 4, 2007, from <http://www.librijournal.org/pdf/2004-2pp113-122.pdf>
- Proudman, Vanessa. 2008. What Can We Learn from Europe in Our Quest for Populating Our Repositories? In Third International Conference on Open Repositories. Southampton, United Kingdom. <http://pubs.or08.ecs.soton.ac.uk/14/> (accessed August 19, 2010).
- Sutradhar, B. 2006. Design and Development of an Institutional Repository at the Indian Institute of Technology Kharagpur. *Program: Electronic Library and Information Systems* 40 (3): 244-55.
- Van Westrienen, G., & Lynch, C. A. (2005). Academic institutional repositories. *Digital library Magazine*, 11 (9).
- Watson, S. (2007). Authors' attitudes to, and awareness and use of, a university institutional repository. *Serials: The Journal for the Serials Community*. 20 (3), 225-230.
- Westell, Mary. 2006. Institutional repositories: proposed indicators of success. *Library hi tech* 24 (2): 211-226.

فاطمه بناری

متولد سال ۱۳۶۹ دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش شناسی، گرایش مدیریت کتابخانه های دانشگاهی از دانشگاه شهید چمران اهواز است.



عبدالحسین فرج پهلوی

متولد سال ۱۳۳۰، دارای مدرک تحصیلی دکتری در رشته علم اطلاعات و دانش شناسی از دانشگاه نیوسات ولز استرالیا و استاد گروه علم اطلاعات و دانش شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز است.

مدیریت کتابخانه های دانشگاهی، مدیریت کیفیت، مدیریت دانش، و فناوری اطلاعات از جمله علایق پژوهشی ایشان است.

